

نقدِ سخن

یکم

آدمی را به اندیشیدن می‌شناسند و آن‌گاه که میان او و دیگر موجودات مرز می‌نهند، فصلی قوام‌بخش‌تر از اندیشیدن در نمی‌افکنند؛ و اندیشه مرغی است پَران که در هیچ قفسی نمی‌گنجد و هیچ قید و بندی را بر نمی‌تابد. عقل آدمی سرِ آن دارد که راه‌های ناپیموده را بیماید و راه‌های پیموده را از نو بکاود و در نوردد. اگر حریمی فراروی ذهن بشری هست - که هست - تحمیل شده بیرون نیست که خود از درون، حریم خویش را شناخته و توان و ظرفیت خود را دانسته است. عقل یگانه داوری است که هم در کار سنجش و داوری است و هم عهده‌دار تعیین صلاحیت خود در داوری.

تجربه‌های وحیانی و عرفانی در دریافت و بازشناخت، وامدار اندیشه‌اند و مهم‌ترین کارکردِ وحیِ آفتابی کردنِ دینه‌های خردِ آدمیان است و دوزخیان‌گویای این سخن‌اند که «اگر می‌شنیدیم یا می‌اندیشیدیم از دوزخیان نبودیم». پیشوایانِ دینی ما بنا به ظرفیت وجودی و ادراکی یاران و پیروانشان، همواره آنان را به اندیشیدن وامی‌داشتند و همیشه درایت را بر روایت مقدم می‌دانستند و آنان را به نقد سخن فرا می‌خواندند.

بی‌تردید، آنان که در پیرامون خود و در منابع و متون خود می‌اندیشند به راه یافتن سزاوارترند تا کسانی که یکپارچه گوش‌اند و سمع را با عقل، و دیانت را با تفقه در نمی‌آمیزند؛ همچنان که خردهای حریم‌آشنا و مددگیرنده از وحی و دل به حقیقت نزدیک‌ترند و البته پریداست که فرجام نیک تنها و تنها از آنانی است که یافته‌ها و

شنیده‌ها را در کار آورند و در درستی گفتار و رفتار و در عبادت پروردگار، شتابان و از پیشگامان باشند.

دوم

از دیرباز، حوزه‌های علوم دینی - به ویژه حوزه‌های شیعی - کانون تبادل اندیشه و فکر بوده‌اند. در حوزه‌های ما همواره به اجتهاد و نواندیشی فراخوانده‌اند. اگر زمانی در پرتو هیمنه فرزانه‌ای ارجمند، تقلید و بسته‌اندیشی بر حوزه‌ها سایه افکنده، فرزانه دیگری برخاسته و غبارهای جهل و تحجر را از خرده‌ها زدوده و جانی تازه در این کالبد افسرده دمیده است. ادوار فقه، تفسیر و دیگر علوم دینی را نه بر مبنای مقاطع زمانی که بر پایه بروز و ظهور چهره‌هایی اثرگذار و نوآور تنظیم کرده‌اند، نامدارانی که طرحی نو در انداختند و به آنچه پیشینیان گفته بودند، بسنده نکردند.

ما همیشه رهین منت بزرگانی هستیم که افول اندیشه را در مراکز دینی نپسندیدند و کاروان معرفت دینی را به پیش بردند؛ متکلمانی که جمود اهل حدیث را برتائیدند؛ اصولیانی که هیمنه اخباریان را فرو ریختند؛ متألهانی که برهان را با ذوق و اشراق، و فلسفه و عرفان را با قرآن و سنت آشتی دادند؛ فقیهانی زمانه‌شناس که فقه را از انزوای تحمیلی بیرون آورده، به متن زندگی و اجتماع رهنمون شدند؛ حدیث‌شناسانی که سهل‌انگاری در پذیرش و ردّ روایات را نپذیرفتند و به تدوین طبقات رجال شیعه و مرز انداختن میان احادیث صحیح و ضعیف همت گماشتند و...

امروز نیز ما همچنان نیازمند نگاه‌های نو هستیم؛ نگاه‌هایی نو اما با دغدغه‌هایی دیرین؛ دغدغه با خدا بودن و به خدا تقرّب جستن و دغدغه امت برتر بودن برای برترین فرستاده خدا و شیعه راستین و پولادین بودن برای ائمه هدا.

ما هرچند، در اندیشه زبانی نو و شیوه‌هایی روزآمد هستیم، همچنان بر همان پیمان‌های پیشین استواریم؛ پیمان بندگی خدا: «آیا با شما پیمان نبستم که... مرا بپرستید» (یس، ۶۰-۶۱)، و پیمان تسلیم در برابر حکمیت و حاکمیت پیامبر اسلام: «نه، به پروردگارت سوگند که ایمان نمی‌آورند مگر آن‌که در نزاع‌هایشان تو را حکم قرار دهند؛ سپس در درونشان از داوری تو ناخشنود نشوند و کاملاً تسلیم گردند» (نساء، ۶۵)، و پیمان سرسپردگی و دلدادگی نسبت به برترین بنده خدا پس از پیامبرش و جانشینان او در علم، معنویت و راهبری: «بگو از شما پاداشی نمی‌خواهم جز مودت خویشان» (شوری، ۲۳).

نشده‌ایم. به مصاحبه‌کنندگان خرده دیگری هم گرفته می‌شود و آن این‌که چرا به مصاحبه سمت‌وسویی خاص داده‌اند؟ و چرا استاد محترم را به چالش نکشاندند؟ و چرا در ضمن برخی از پرسش‌ها نکته‌هایی را القا کرده‌اند که نادرست به نظر می‌آیند و چه بسا خودشان نیز بدان‌ها باور ندارند؟

با این‌که این دو نقطه ضعف در پرسش‌ها و پاسخ‌ها مشهود است، چند نکته را نیز نباید از نظر دور داشت. نخست آن‌که فضای حاکم بر مصاحبه با نوع تألیف کتاب و مقاله یا حتی درس‌خطابه‌های علمی متفاوت است. در مصاحبه‌های زنده و جدی که پرسش‌ها به تفصیل از پیش دانسته نیستند، نباید پاسخ‌هایی دقیق و مستند را انتظار داشت و کیست که استحضار علمی او به حدی باشد که بتواند برای هر گفته‌ای به منابع مختلف ارجاع دهد. در مصاحبه - آن هم با مشایخ و استادان - باید جویای برداشت‌های امروزی آنان پس از عمری تلاش علمی و نیز رهنمودهای آنان به پژوهشگران تازه‌کار بود. همچنین پرسش‌هایی که در مصاحبه‌ها مطرح می‌شود لزوماً و عموماً بیانگر نظرگاه مصاحبه‌کنندگان یا دیدگاه درست و مقبول اهل نظر نیست. پرسش‌ها بازتاب‌دهنده دیدگاه‌ها و چالش‌های موجود در جامعه‌اند، هرچند این دیدگاه‌ها نادرست به نظر آیند یا به اقلیتی محدود تعلق داشته باشند.

پنجم

کسانی که به نقد رویکرد غالب دینی و مذهبی می‌پردازند با چالش‌هایی چند روبه‌رو هستند که نمی‌توانند نسبت به آنها بی‌اعتنایی پیشه کرده، رسالت خود را به بیان نقدها محدود کنند و در مورد این چالش‌ها هیچ‌گونه چاره‌جویی نکنند. روشن است که هر منتقد اصلاح‌طلبی - اگر چشم‌انتظار تحقق عینی اصلاحات مورد نظر خویش است، که طبعاً چنین نیز هست - باید با خردورزی تمام، موانع پیش‌روی را از میان بردارد و راه را برای پیشبرد داعیه‌هایش هموار سازد. البته در این میان مسئولیت مدافعان سنت حاکم دینی نیز سنگین است. اینان نیز نباید انتظار داشته باشند که همگان به‌سان آنان بیندیشند یا صاحبان اندیشه‌های دیگر دم فرو بندند و هیچ سخنی نگویند. برخورد اندیشه قطعاً برای هر دو طرف گفت‌وگو منافی را دربردارد که هیچ‌یک نمی‌توانند از آن چشم‌پوشی کنند.

11/14/2000 PA

2. 1/2 cup sugar

1/2 cup butter